

## بی تفاوتی در بیانات اعلیحضرت

(قسمت دوازدهم)

### ملکه سوم دکتر عباس میلانی!

#### عامل خارجی ۴

امیر فیض - حقوقدان

قسمت قبل این تحریر به بخشی از شهادت ژنرال هایز و نقش او در تدارک شورش ۵۷ در رابطه با ارتش شاهنشاهی ایران اختصاص یافت؛ اکنون به یک نقل قول از هایزر که میتواند به پایه های شهادت هایزر کمک کند اشاره ای بجاست.<sup>۱</sup>

آقای ایوانز نویسنده کتاب معروف حرکت نهایی بعد از عراق نوشته است: «شخصاً از ژنرال هایزر شنیدم که گفت؛ اگر کارتر از خمینی حمایت نمیکرد هرگز خمینی موفق نمیشد». (نقل از کیهان لندن ۱۱۶۲)

معنای انقلاب خود جوش! کاملاً از بیان هایزر مشهود است! وقابل تصویر نیست که عبارتی صریحتر و از مجرای صلاحیتدار بتواند حضور عامل خارجی یعنی حمایت کارتر را از شورش ۵۷ نشان بدهد حمایت، جامع همه اقداماتی میشود که شخص مورد حمایت را از گزند و عدم موفقیت دور سازد و در کلام تطبیقی شورش ۵۷ وقتی قابل مقاومت و از بین رفتن بود که حامی آن که آمریکا بود قبلاً از پا درآید زیرا، حامی سپر استحقاقی است و تا حامی هست مورد حمایت از تعرض مصون میباشد.

متوجه میشود مفهوم اظهارات ژنرال هایزر که کاملاً معنا و مفهوم حمایت را میدانسته تا چه حد بازگو کننده دخالت و حمایت موثر آمریکا از شورش ۵۷ است؟

#### ادامه تبعات مصاحبه هایزر

در جریان مصاحبه ژنرال هایزر با بی - بی - سی از ایرانیان، آقای فرهاد منصوریان و از آمریکائی ها ۴ نفر روی خط مصاحبه بوسیله تلفن با هایزر صحبت سوال و جواب داشته اند که اظهارات آنها بعنوان شهادت و دلیل، در مسطوره این تحریر بسیار قابل استفاده و استناد است.

#### اولین شاهد آقای جرج آمریکائی

جرج خطاب به هایزر میگوید - صبح به خیر، من در مقالاتی که در مورد سفر هایزر به ایران خواندم اینطور بنظر میآید که در زمان کارتر، کشور بعد از کشور بدام کمونیستها افتادند به جز ایران که بدام خیلی بدتر از کمونیست افتاد. در حال ژنرال شما به ایران فرستاده شدید و بنظر شما با ۱۲ ژنرال ایرانی ملاقات کردید که از آن ها ۱۱ ژنرال اعدام شدند و فقط یکنفر جان سالم بدر برد (مقصود قره باغی است).

این خیلی جالب است که شما با هر کسی ملاقات کردید اعدام شد (۱) البته من شخص شما را مسئول نمیدانم ولی درهرحال ماموریت شما این بود که به ژنرالهای ایران بگویند که نبایستی کودتا کنند ونباید در امور سیاسی دخالت نمایند ودرنتیجه خلانی بوجود آمد که زانیده آن خمینی بود.

### جواب هویز

این درست است که بجزیک ژنرال ارتش تمام ژنرالهایی که من با آنها ملاقات داشتم یا اعدام شدند ویا به خارج فرار نمودند وعلت این امرهم ارتباط آنها بامن نبود بلکه مخالفت آنها با خمینی بود که طبعاً وقتی خمینی روی کارمیآمد نمیخواست این افراد زنده باشند.

### حرج

ولی شما به آنها گفتید که اگر آنها کودتا کنند وامورکشوررابدست بگیرند آمریکا برضد آنها مخالفت خواهد کرد وعمل آنها را برسمیت نخواهید شناخت وبنظرمن اگر ایالات متحده خفه میشد ومیگذاشت که ایرانی ها خودبرای امورداخلی شان تصمیمی بگیرند وکنترل اوضاع رابدست بیاورند ودوباره به حکومت قانونی خود برمیگشتند امروز مادشمنی بنام خمینی نداشتیم.

### تفسیری بر شهادت شاهد آمریکائی

\* شاهد چنان ازحد دخالت کشورش درامورایران متاسف است که با اهانت به کشورمتبوعش آنرا بازگوکرده است (عبارت خفه شو).

شاهد آمریکائی که نه ایران رادیده ونه ایران رامیشناسد وبه فرهنگ ما آشناست نسبت به مداخله کشورش درامورایران تا آن حد حساسیت نشان میدهد؛ ولی آقای عباس میلانی که باپول دولت وملت ایران به خارج ازکشوررفته وتحصیل وتحقیق کرده، اینها را دخالت خارجی! نمیداند ودلیل خود جوش بودن آنرا هم انقلاب ایران! میداند. (هیئات).

\* آنجا که شاهد آمریکائی گفته است که من هایزر را مقصرنمیدانم نشان ازفهم ودرستی تشخیص اوست هایزر یک ماموراست مسئول، یعنی آمر ایالات متحده آمریکاست، وغرض ازدخالت خارجی درشورش ۵۷ هم دولت خارجی است نه افراد تبعه کشورها.

\* دیگر که بسیارمهم است فاش شدن مطلبی است که برای اولین باربا آن مواجه میشویم و آن کشتارهمه ژنرالهای ایرانی است که باهویز ملاقات داشته اند (۱)

اسناد سفارت آمریکا که بخشی از آنها درسلسله مقالات (اجلاس واشنگتن - پشت پرده مبارزه) که در ۱۲ شماره سنجر ویا بیشتربتحریررفته به استناد اسناد وگزارشات سفارت آمریکا به وزارت خارجه آمریکا ثابت شده است که هرگاه ایرانیانی بقصد مخالفت وبراندازی شورشیان اسلامی ایران آمادگی خود را به سفارت خانه های آمریکا بخصوص درایتالیا اعلام کرده اند بفاصله کوتاهی ازسوی جمهوری اسلامی به قتل رسیده اند از جمله سوابقی که روشنی بیشتری دارد فعالیت آقایان فیروز شریفی - فریدون افشار - مهندس فرد- هرمز رزم آرا- رامتین واز نظامیان از تیمسارجم که خارج ازکشوربوده - تیمسار امیر بهمن باقری رئیس

ستاد نیروی هوای شورشیان - تیمسار بیان وابسته نظامی سابق در پاکستان - تیمسار پزیشگپور برادر رهبر حزب پان ایرانیست - تیمسار ناظم که سابق معاون جم بوده - سررتیب خسرو دانشور و تیمسار اصغر سپهر، میتوان یاد کرد که این گروه نظامیان بوسیله آقای هرمز رزم آرا با آمریکانیها تماس داشته و خود رزم آرا ادعا کرده که از آمریکا چراغ سبز دریافت داشته است، برنامه آنها عملیات اجرایی و ایدانی و بدنبال آن یک حمله در تهران میبود. بطوریکه ادعا شده این گروه یک کشتی را مجهز به دستگاه فرستنده کرده تا در خلیج فارس مستقر و تبلیغات کند (سندسری صفحه ۵۸ اسناد سفارت جلد ۴۸).

سند محرمانه دیگری به تاریخ ۲۱ دیماه ۱۳۵۷ از گریگوری پرت مامور سیاسی سفارت در مورد یک بازگان جوان ایرانی است که پس از توضیحات بسیار و خطراتی که خمینی برای ایران و خاورمیانه در بر خواهد داشت میگوید: «شما حمایت کنید ما ۴۸ ساعت تمام این میمون هاراجم میکنیم» نام این بازگان ایران در اسناد سفارت آمریکا سیاوش دهش است. (صفحه ۴۵ جلد ۲۷)

اینکه چگونه این فعالیت ها که فعالان مربوطه دقیقاً برنامه های خودشان را به آمریکا اعلام میکرده (مهندس فرد حتی انبار سلاح های جمع آوری خود را هم به مامورین آمریکا نشان میدهد) و بلافاصله دستگیر و از میان میرود، بطور مشروح در قسمتهای مختلف تحریرات پشت پرده مبارزه آمده است.

استفاده از جریان بالا در رابطه با اظهارات آقای جرج آمریکائی است که میگوید؛ ژنرال هایزر با هر ژنرال ارتش ایران که دیدار و گفتگو کرد به قتل رسید.

از آنجا که خود هایزر هم تصریحی دارد که ژنرالهای ایران آماده تمکین از خمینی و شورشیان نبوده اند.

این فرض، در حالت حتمی قرار میگیرد که مخالفت آن ۱۱ ژنرال ایرانی به اطلاع مقامات آمریکائی رسیده و بترتیب مورد عمل، خمینی و یاران او مطلع شده و درست سرنوشتی که برای مهندس فرد و افشار و دیگر مخالفان خمینی ترتیب داده شد سهم آنان نیز گردیده است.

این تحریر میخواید این برداشت را ارائه داده باشد که ملاقاتهای هایزر با امرای ارتش تنها به اعلامیه بیطرفی ارتش ختم نشد بلکه آگاهی هایزر از مخالفت امیران ارتش و انتقال آن آگاهی به شورشیان از اسباب قتل آنها بوده است.

## **یک دلیل بر اثبات برداشت بالا**

شاهد ادعای نقش آمریکا در کشتار افسران ارتش آقای رمزی کلارک وزیر پیشین دادگستری آمریکا و بعدا رئیس دیوان کشور آمریکا و مشاور قضائی آقای کارتر است، وی اولین کسی بود که به ماموریت از سوی کارتر با خمینی در پاریس ملاقات داشت، در مصاحبه ای بشرح کیهان لندن بشماره ۳۴ مورخ دوم اسفند ماه سال ۶۳ اقرار و شهادتی میدهد که سند قاطع دخالت و کشتار افسران ارتش بوسیله دولت آمریکای وقت است.

## **در کیهان مزبور آمده است:**

حرمزی کلارک وزیر پیشین دادگستری آمریکا و مشاور قضائی کارتر که بعنوان یکی از چهره های شناخته شده مخالف رژیم سابق ایران شناخته شده بار دیگر به حمایت از جمهوری اسلامی برخاسته و وی در یک مصاحبه تلویزیونی شدیداً به مردم ایران و رژیم سابق حمله کرد و بار دیگر از انقلاب اسلامی با تاکید بر اینکه این انقلاب مورد تائید دولت وقت آمریکا بوده است حمایت کرد.

وقتی از رمزی کلارک سوال شد که آیا حکومت ورژیمی که شما از آن حمایت میکردید همین حکومتی است که هزاران نفر را اعدام کرده است گفت:

**قرار ما با بازرگان این نبود آنها قرار بود که فقط ۲۰۰ نفر را اعدام کنند من نمیدانم چه چیزی باعث شد که آنها به وعده خود عمل نکردند.**

شاهد یک فرد عادی نیست و ادعای ۱۰۰ هزار سند هم لازم نیست تا شخصیت او را معرفی کند، چنین شاهی با سابقه وزارت دادگستری و ریاست دیوان کشور آمریکا و مشاور قضائی کارتر نه تنها شهادت دروغ نمیدهد بلکه به اثرات آن برای کشورش و اتهامی که بخود او وارد میشود آگاه است. این شهادت رمزی کلاک و اجد بارهای اثباتی است از جمله اینکه:

**توافق برای کشتن حداقل ۲۰۰ نفر بین دوکشوریک جنایت علیه بشریت است،** که چون یکطرف این توافق آمریکا بوده است صدای عدالت جهانی در نیامد ولی زمان همچنان بیدار خواهد بود.

آمریکا در موقعیت طلبکاری و فرماندهی بر عملیات شورش ۵۷ بوده که طرف توافق قتل ۲۰۰ ایرانی قرار گرفته است، و موافقت بازرگان اهمیت دخالت و حمایت آمریکا را از شورش ۵۷ نشان میدهد کما اینکه بازرگان هم بعد ها گفته است: <اگر حمایت آمریکا نبود انقلاب اسلامی پیروز نمیشد.>

شهادت شاهد از مدارک مثبت است که کشتار افسرانی که هایزر با آنها ملاقات داشته و فهمیده که آنها حاضر به تانید و بیعت با خمینی نیستند جزء همان ۲۰۰ نفری بوده اند که با موافقت بازرگان بتدریج اعدام شده اند.

**آقای عباس میلانی، عرض و طول دخالت در امور ایران خاصه شورش ۵۷ رامی بینید باز هم انقلاب ایران! خودجوش بوده است؟**

### **دعوت به مداخله**

برای آگاهی خوانندگان این تحریر، از حدود ۱۵ سال قبل از شورش ۵۷ نهضت آزادی (جبهه ملی) و مخالفین نظام شاهنشاهی ایران مدام با سفارت آمریکا در تماس بوده و از آمریکائی ها دعوت به مداخله در امور ایران را داشته اند.

فرق بین مداخله خارجی و دعوت خارجی به مداخله در امور کشور را میتوان در این تشبیه راحت دید:

یک مرد اجنبی پنهانی زمینه هائی مهیا میسازد که در زندگی خانواده ای دخالت کند تا از این طریق به هوسهای ناپاک خود برسد ولی اگر آن زن از آن اجنبی درخواست کرد که بیاید و شوهرش را سربسته نیست کند و جای شوهرش را بگیرد میشود دعوت به مداخله.

کارورفتار نهضت وابسته به مهدی بازرگان و جبهه ملی و حزب ایران، و حزب توده، مجاهد خلق و ایادی وابسته به آنها دعوت آمریکا به مداخله در امور ایران و براندازی رژیم شاهنشاهی و انتقال قدرت به آنها بوده به این دو سند توجه فرمائید که کفایت اثبات مورداست.

## سند اول

بازرگان در خصوص ارتباط عناصر جبهه ملی با خارجیها اظهارداست:

در حدود سالهای ۴۰ و ۴۱ شمسی ما از طرف نهضت آزادی نامه ای تهیه وبه منازل عده زیادی آمریکائی مقیم تهران انداختیم به مفهوم اینکه شما آمریکائی ها در مملکت ما چه میکنید چه منافعی دارید اگر پشتیبان مبارزات ملی هستید چه نظری دارید بعد از مدتی بقرار معلوم نامه بدون امضائی بمنزل الهیار صالح انداخته بودند، ولی معلوم بود که از سوی آمریکائی ها در جواب نامه ما بوده است و مفهوم آن این بوده که شما رهبر قابل قبول و مورد اطمینانی ندارید تا حکومت را در دست بگیرد و اگر رهبر شایسته ای بین شما پیدا شد مورد پشتیبانی ماست > (تاریخ فراز و نشیب های انقلاب به روایت اسناد ساواک و آمریکا ۱۱۸).<sup>۲</sup>

می بینیم که ۱۷ سال قبل از شورش ۵۷ و دو سال قبل از اولین شورش خمینی (سال ۴۲) بازرگان و نهضت او بدنبال نوکری برای آمریکا و کسب حمایت آن کشور بوده اند تصور نمیکنم بتوان در تاریخ هیچ کشوری چنین ناپاک مردی چون مهدی بازرگان و همفکرانش را یافت که با پول دولت شاهنشاهی ایران برای تحصیل به خارج از کشور فرستاده شود ولی در برگشت یک موجود پلید آماده نوکری برای بیگانه شده باشد، تصور نکنید که فقط بازرگان بوده خیر همه کسانی که موقعیتی داشتند و بدنبال خمینی راه افتادند از همین قماش بوده اند مقدم مراغه ای که نامش یادم آمد کسی است که از آمریکا میخواست که همان اتفاقی که در یمن روی داد و شیخ یمن کشته شد همان برنامه را برای شاه ترتیب بدهند.<sup>۳</sup>

عجب واقعا شورش ۵۷ خود جوش! بوده است تخم آنرا نهضت بازرگان و آمریکائی ها در ۱۷ سال قبل از شورش ۵۷ کاشته بودند و منتظر کسی بودند که محصول کاشته شده را بردارد. این رامیگویند انقلاب خود جوش، آقای ۱۰۰،۰۰۰ سندی؟

## سند دوم

اسناد سفارت آمریکا گویاست که آقای عبدالرحمن برومند در مهرماه سال ۳۶ یعنی یکسال بعد از ورود به ایران با سفارت آمریکا در تهران رابطه برقرار میکند و این تماسها تا اردیبهشت سال ۴۳ ادامه داشته است. (احزاب سیاسی در ایران شماره ۲۱ اسناد سفارت)

گزارش همکاری آقای عبدالرحمن برومند با آمریکائی ها بسیار مفصل است و بخشی از آن در سنگر ۲۸ فروردین سال ۱۳۶۳ بضمیمه مستندات پیاده شده و اکنون تنها اشاره های کوچکی از آن اسناد به اینجا آورده میشود که دلالت بر دعوت آمریکائیها به مداخله در امور ایران دارد.

\* در گزارش آمده است: > آقای برومند پس از شکایت از اوضاع سیاسی ایران و تعریف از اعضای حزب ایران و نهضت مقاومت و اینکه آنان میهن پرستان واقعی هستند و میخواهند و باید بر ایران حکومت کنند <

۲ - همین مورد در اپوزیسیون موجود علیه رژیم آخوندی مصداق دارد و رهبری قابل اعتماد در هیچ کجا یافت نمی شود. هیچ مبارزه ای تا بحال بدون رهبر نبوده است، و هرگز یک رستاخیز ملی بدون رهبر و بقول «بعضی ها» خودجوش برپا نشده است. خیال خام است... ح-ک  
۳ - محمد مصدق نمونه دیگری است که در بیمارستان در آمریکا کمک آمریکایی هارا میخواهد ولی موفق نمی شود. ح-ک

برومند اضافه میکند:

«آمریکا بایستی با ایرانیان لیبرال تماس بیشتری بگیرد و به آنها کمک کند او (برومند) درخواست کرده بود که گزارشگر سفارت وی رابه بعضی از دوستانش در سفارت معرفی کند تا اینکه وی بتواند در طول مدتی که در تهران است تماسش رابا آمریکاییها حفظ کند در عوض اگر کارمندان مایل باشند که با ایرانیها که همانند او فکر میکنند ملاقاتی داشته باشند وی از فراهم کردن آن خوشحال خواهد شد»

\* در حال حاضر ۹۵ درصد طبقه تحصیل کرده مردم طرفدار آمریکا هستند. ایالات متحده باید از این گروهها حمایت کند وگرنه این گروهها توهماتشان را از دست خواهند داد، آمریکا باید این کار را همین حالا بکند نه بعد از اینکه آنان بقدرت رسیدند. اگر شما در روی کار آوردن ما دست بکار نشوید و دیگران چنین کردند ما پس از بقدرت رسیدن حافظ منافع شما نخواهیم بود - برومند تمام افسران ارتش را خائن و فاسد معرفی کرده الا سرلشگر ریاحی و به مامورین آمریکائی گفته است او از شاه اطاعت نخواهد کرد.

\* برومند گفت آمریکا باید سیاست مستقلی از انگلیس در ایران داشته باشد وقتی گزارشگر سفارت پرسید چه سیاستی؟ برومند گفت: «آمریکا باید افراد لیبرال را مسنول دولت کند» از برومند پرسیده شد که برای نیل به این مقصود آمریکا چه باید بکند؟ «برومند جواب داد همان روشی که ۴ سال قبل برای بقدرت رسیدن زاهدی بکار گرفته شد و حالا هم باید از همان قدرت استفاده کرد»

همین اشارت از اسناد سفارت کافی است؛ کافی که هیچ؛ هیچ فاحشه ای این چنین بالصراحه بیگانه را به خانه اش دعوت نمیکند و راه و چاه نشان نمیدهد.

### شاهد دیگر بک آمریکائی

جان یک شهروند آمریکائی است میگوید صبح به خیر ژنرال هایزر؛ رئیس سابق شما باید کتابی رابخواند بنام (همه چیز سقوط کرد) بقلم گری سیک که در زمان کارتر عضو شورای امنیت ملی بود، در آن کتاب با قید مدرک آمده که دولت کارتر معادل ۱۵۰ میلیون وسائل نظامی به دولت خمینی پیشنهاد کرد به شرط اینکه خمینی گروگان ها را آزاد کند و این در حالی بود که کارتر به تمام دنیا اصرار داشت که به ایران اسلحه داده نشود.

آقای هایزر من باشما مخالفم شما به ایران فرستاده شدید تا بطور صلح آمیز شاه ایران را از قدرت بیاندازید، من بعنوان یک مالیات دهنده آمریکائی کارتر را مسنول این وقایع میدانم زیرا تازمانی که شاه در قدرت بود این احمقها چپ و راست گروگان نمیگرفتند من فکر میکنم هیتلر زنده شده و نامش خمینی است و من هیچ راه حلی رانمیبینم جز اینکه خمینی را تکه تکه کنیم.

### نقد شهادت آمریکائی

شاهد شهروند آمریکاست و بهر حال به منافع و رفع اتهام از کشورش تعصب دارد و اگر هم ندارد در حد ایران بیشتر دارد، این چنین آمریکائی نمیتوانست واقعیت شوم مداخله آمریکا در امور ایران را با تعصب جابجا کند زیرا هرناسانی هر قدری که با غیرت ملی آشنا باشد درک فساد دخالت آمریکا را در امور داخلی ایران میکند

مگر کسانی که اصلا درک غیرت ملی و عصبیت وطن پرستی ندارند. او در میان کلام خود ایرانی ها را احمق می خواند.

از شادروان محمد فروغی داستانی نقل است که گفت: کسی خوابیده به رو، آب میخورد به او گفته شد که اینجور آب خوردن ذهن آدمی را کور میکند؛ طرف گفت ذهن چیست؟ جواب شنید بخور که بیخود دخالت کردم - واقعا کسی که درک قبح دخالت کشورها را تشخیص نمیدهد و یا اصلا نمیداند که دخالت کشورها در امور کشورها یعنی چه، چه فایده دارد که آنقدر روی موضوع ایستادگی شود، مگر کسی که تربیت آنجوری دارد که از تشخیص خود جوش بودن انقلاب!! غافل است، میشود با نوشتن او را به حقیقت آشنا کرد.

ذات بد نیکو نگردهد ز آنکه بنیادش بد است  
تربیت نا اهل را چون گردکان بر گنبد است

موضوع دخالت در امور کشورها بسیار امر حساسی است همین روزها که قرار است آقای بنیامین نتانیا هو برای سخنرانی به کنگره آمریکا برود کارشناسان سیاسی از جمله <کوپر کانلی و آوری نیر> کارشناس موسسه مطالعات خاور نزدیک، اظهار نظر کرده اند که برنامه سخنرانی بنیامین نتانیا هو دخالت اسرانیل در سیاست داخلی آمریکاست، حال مقایسه کنید با اقدامات آمریکا و مسئولین آمریکا در جریان شورش ۵۷ و تدارک آن و نامش را هم بگذارید انقلاب خودجوش.

یکی از بزرگان سخنی دارد که وصف الحال این تحریر است میگوید:

کسی که نمیخواهد بفهمد محال است که شما بتوانید به او بفهمانید و کسی هم که میخواهد بفهمد محال است که شما بتوانید او را از فهم ممانعت کنید.

بر مصداق این حرف بزرگ این تحریر خود را مقید میسازد که در ادامه بحث، دیگر متکی به عنوان بی تفاوتی در بیانات اعلیحضرت و ملکه سوم میلانی نشود و فقط زیربال؛

نقش عامل خارجی در شورش ۵۷ قرار گیرد؛ باتشکر از این موافقت

باتفاق به ادامه آن خواهیم رفت.



لازم آمد تا نامه امضا شده ارتشیان در بیعت با خمینی اینجا گنجانده شود.

افراد نظامی که توافق کردند در روز ۲۲ بهمن آن نامه بی طرفی را امضا کنند قبل از رسیدن به آن مرحله دارای قدرت و اقتداری بودند که میتوانند بجای همکاری و بیعت با خمینی که در نتیجه میهن گرامی ما را به دست بیگانگان مذهبی سپردند به همراه هم یک صدا بجای به گوشه ای خزیدن تفنگ هایشان را به روی اوپاش و ارادلی که در شهرها آشوب میکردند را دستگیر و از ادامه آشوبها جلوگیری کنند.



بفیتنی که دست های قوی این دکنه را بنواهنم و در با توجه به تکرار بیگانه گردیدی  
 در شب ۱۳ روز ۲۳ به ۱۳۸۷ کشن و بیانات قسم گرفته شد که در این صورتی که در هیچ حال  
 و خونریزی غیر طبیعی خود را در وقت سیاهی منی اعموم و به گمانه های غلطی و توهین داده شد که  
 با درگاه های خود در محبت نمایند در این ایران همیشه پشتیبان است شریف و یک زمین پاک  
 ایران مبد و نخواهد بود و نه خواهد است ایست شریف ایران به ۲۴ قدرت پشتیبانی نماید



- در شید قرمانی - در شید شفقت - در شید فردوس - سید حاتم - سید نسیم - سید محمد علی
- سید معنی - سید بهار - سید ریحی - در شید حبیب الهی - سید معصوم - سید محمد علی
- سید صافی - در شید اسد - سید حسن زاده - سید حسین جابانی - سید محمد کاظمی - در شید گوگرد
- سید محمدی آذر - سید خواجه فردی - در شید سرور زانی - سید - در شید فرهنگ - سید علی - در شید فرهاد